

عنوان مقاله:

بررسی تاریخی سبک پوشش ایرانی

(جهانی سازی و فرهنگ پوشش در ایران از قاجار تا کنون)

پژوهشگر: فهیمه جعفری

مدرس دانشگاه فنی و حرفه ای کرج ، گروه طراحی دوخت ، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

و دبیرآموزش و پرورش ، گروه طراحی دوخت، منطقه ۶ تهران

www.fahimehafari1358@icloud.com

چکیده

هدف نهایی این مقاله با موضوع بررسی تاریخی سبک پوشش ایرانی، بررسی فرهنگ پوشش در ایران و روند تاریخی آن از قاجار تا کنون و تاثیر آن بر فرهنگ و هویت ایرانی است. ضمن اینکه رابطه لباس و پوشش در جهانی سازی و جهانی شدن را نیز مورد تحلیل و توجه قرار می دهد. روش این پژوهش، توصیفی- کاربردی است که برای گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و بررسی یافته ها استفاده گردیده است. با انجام این بررسی ها روشن می شود؛ که شناسایی تحولات لباس هر قوم و ملتی موجب آشنایی با چگونگی شکل گیری و تحول لباس است که میتوان آن را در این عوامل خلاصه کرد: پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیکی، ذوق و حس زیبایی دوستی، جهان بینی و اعتقادات مذهبی، فرهنگ ها ، هویت، آب و هوا و شرایط اقلیمی. در ایران، دوره قاجار، تغییرات و تحولات چشمگیری در حوزه ی پوشش بوجود آورد. هر چند این تغییرات طولانی مدت روی داد. و تاثیر آن تا به دنیای امروز پیوند خورده است. داستان مد و مدگرایی به نظر پایانی ندارد و در آغاز قرن جدید خورشیدی، همچنان میراث دار این فرهنگ است و تلاش می کند همراه با جهان پیش رود. نتایجی که از این پژوهش حاصل شد این موضوع را روشنتر می نماید که ورود مدل های جدید به جامعه اشتباه نیست به شرطی که آگاهانه و کنترل شده باشد و از سوی دیگر موجب فراموشی فرهنگ اصیل و پوشش و لباس ایرانی را فراهم نکند.

کلید واژه ها : جهانی شدن - لباس - فرهنگ - پوشش

مسئله مهم در نحوه پوشش و لباس یک جامعه اینست که: فرهنگ، که به شیوه زندگی اعضا یک جامعه معین- عادات و رسوم آنها، همراه با کالاهای مادی که تولید می کنند- گفته می شود، با آن مرتبط گردد. با توجه به این تعریف، پوشاک و لباس هم جزئی از آداب و رسوم می باشد و هم اینکه در بخش تولید کالای مادی جای می گیرد که موضوع مورد بحث مقاله پیش رو می باشد. مسئله مهم دیگر اینست که جهانی شدن مد چگونه می تواند گذشته تاریخی لباس ایران را تا به اکنون در خود جای دهد؟ چرا که برای جهانی شدن و حرکت بسوی آن، فرهنگ و هویت اصیل ایرانی باید جایگاه خاص خود را حفظ کند. یافته ها گویای آنست که باید در این زمینه با آگاهی کامل و کنترل شده با این موضوع برخورد کرد و از سوی دیگر تلاش شود با شناخت و خودآگاهی موجبات فراموشی فرهنگ و پوشش و لباس ایرانی را فراهم ننماید. و نیز تولیدکنندگان به گونه ای آن را تولید و عرضه دارند که با هویت ایرانی همخوانی داشته و از تنوع کافی نیز برخوردار باشد. در این زمینه پژوهش های زیادی انجام شده تا این مهم مورد بررسی قرار گیرد. چنین جستارهایی در پژوهش فوق می تواند نتایج مطلوبی را به همراه داشته باشد مانند مطالعات آقای پیمان متین در کتاب "پوشاک در ایران زمین" و نوشته های آقای میر محمد مشیر پور در کتاب "تاریخ تحول لباس در ایران" و پژوهشهای آقای حسین یآوری در کتاب "مختصری درباره تحول پوشاک در ایران". بنابراین استنباط می گردد که آنچه متعلق به گذشته است بسیار متفاوت از امروز است اما فاصله ای هم با جهان کنونی ندارد که می توان پیوند بین آنها را بیشتر و بهتر ایجاد نمود و آن را با جهان، ارتباط موثر داد چون ارتباط اجتماعی منشاء و نشانه رشد فرهنگ است.

۲. پیشینه تحقیق

در عنوان این مقاله، پژوهشی با این موضوع انجام نگرفته است اما کتابهایی که کم و بیش با این موضوع در ارتباط است عبارتند از: پیمان متین (۱۳۸۲) پوشاک در ایران زمین، انتشارات امیر کبیر، تهران_ میر محمد مشیرپور (۱۳۴۵) تاریخ تحول لباس در ایران، انتشارات زوار و پسران، مشهد_ حسین یآوری (۱۳۹۱) مختصری درباره تحول پوشاک در ایران، انتشارات سیمای دانش_

۳. روش تحقیق

براساس هدف، این پژوهش، کاربردی است. که از نتایج آن می توان جهت توسعه دانش کاربردی در زمینه خاص استفاده نمود. از نظر گردآوری داده ها، نوعی تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) به شمار می آید. که برای داده ها از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است.

۴. فرهنگ و هویت فرهنگی و تاثیر آن بر پوشش ایرانیان

فرهنگ نه چنان یک شیوه متمایز کننده انسان از حیوانات دیگر، بلکه یک شیوه زندگی جمعیتی معین و متمایز کننده گروه ها و اجتماع های مختلف از یکدیگر است. بنابراین می توانیم از فرهنگ یک جماعت، یک ملت، یک قبیله، یک گروه مذهبی و یا یک قاره سخن بگوییم. از این منظر، هر فرد خاص محصول فرهنگی خاص است که در آن زندگی می کند و امروزه این زندگی تنها در بعد مکانی معنا نمی یابد بلکه بعد مجازی هم یافته است که بوسیله گسترش ارتباطات از طریق رسانه ها تقویت می شود.

آب و هوا، کار و پیشه و جنگ و تحولات اجتماعی از عوامل مؤثر در لباس بوده است (مشیرپور ۱۳۴۵: ۱۷). به غیر از این عناصر نقش مراسم سنتی و فرهنگی نظیر مناسک مذهبی، جشن ها و سوگواری ها در نوع و شکل و حتی رنگ پوشاک نیز، بی تاثیر نیست (متین، ۱۳۸۳: ۴۷). بشر در زندگی اجتماعی خود، به منظور ایجاد ارتباط و رساندن پیام دلخواه از "نشانه" هایی استفاده می کند. یکی از مشهودترین این نشانه ها پوشاک است که زبان خاص خود را دارد و از ابزارها کارآمد و مؤثر در پیشبرد هرگونه هویت سازی و هویت پردازی می باشد (متین، ۱۳۸۳: ۴۷).

بدون تردید، پوشاک یکی از ضروریات ادامه زندگی است. انسان ابتدایی پوست حیوانات شکار شده را به عنوان لباس بر تن میکرد. هزاران سال طول کشید تا وی روش ریسندگی و بافندگی را فرا گرفت و برای خویش لباسهای مناسب تهیه کرد که امروز بر بدن داریم و نیز فراورده ذوق و سلیقه و خلاقیت طراحان و سازندگانی از گذشته تا کنون است که با شناخت از مردم جوامع خویش و هماهنگ با حالات و روحیات آنان به تولید پوشاک ادامه داده می شود. تاریخ لباس همچون تاریخ سیاسی و فرهنگی هر جامعه بازتابی از باورهای مذهبی، اندیشه های ملی و شیوه های زندگی، آداب اجتماعی و توان اقتصادی است که در شکلی کاملا فرهنگی و هنری بروز می کند. توجه به تاریخ لباس و روند مد در ایران میتواند کمک شایانی برای بررسی و فهم بیشتر به رویکرد پایدار این موضوع باشد.

هویت به عنوان یک مفهوم ارتباطی که وسیله ای برای شناخت تشابه ها و تفاوتها است، به ریشه های زندگی و روشها و منش ها که با آنها زندگی می کنیم گره خورده است، که نمود بصری از هویت فرد و جامعه است. هر فرد با توجه به نوع بینش و تفکر خود پوششی را می پسندد، سلیقه ها متفاوت است. به مرور زمان این امر بیشتر نمود یافته است، بدین معنا که هر صنف، گروه و طبقه با توجه به بینش و تفکر برای خود تیپ خاصی پیدا کرده اند، طوری که لباس نمودی از فرهنگ و مد شده است.

حالا دیگر هدف از پوشش لباس تنها حفاظت نیست بلکه به غیر از بعد زیبایی نشانگر شخصیت و هویت افراد هم می باشد و به نوعی می توان گفت طبقه اجتماعی، قدرت و نفوذ افراد را با زبان فصیح و شیوای پوشاک می توان فهمید.

یکی از برجسته ترین عوامل تغییر و تحول پوشاک مردم جهان اختلاط و آمیزش فرهنگ های کشورهای مختلف است که بر اساس نیروهایی چون: جنگ های توسعه طلبانه، حرکت سرمایه تجدد طلبی، ارتباطات مرزی و وصلت های قومی، مراوده های فرهنگی و

سیاسی و رسانه‌های گروهی انجام می‌پذیرد و به سبب گستردگی هر یک از این نیروها یکی از فعال‌ترین و موثرترین عوامل تغییر لباس در طول تاریخ بوده است.

بررسی این موضوع در ایران این یافته‌ها را حاصل نموده که صرف نظر از نتایج بدی که حضور مستقیم و غیرمستقیم خارجی‌ها از خود به جای گذاشته، ضربات شدیدی را در بحث فرهنگی به ایران وارد آورده است. یکی از این لطمه‌ها را باید در زمینه پوشش و لباس دانست که تغییرات بنیادی را در پوشش مردمان ایران به وجود آورد. اگر چه رواج غربی‌گرایی و توجه به غرب در امور نظامی و دانش جنگ افزاری آغاز شد اما تأثیرات خود را در حوزه‌های فرهنگی از جمله پوشش به جا نهاد.

در گذشته شاهان قاجاری ایران نیز به واسطه‌ی علاقه‌ی زیادی که به اروپا داشتند، نوعی خودباختگی به اهل فرنگ از خود نشان می‌دادند که نفوذ هر چه بیشتر فرهنگ خارجی را در پی داشت. از جمله این سیاست‌ها، اعزام جوانان ایرانی به فرنگ بود که در زمان عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه صورت گرفت و در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافت. این افراد که به اروپا می‌رفتند، تحت تأثیر فرهنگ‌های اروپایی قرار می‌گرفتند و طبق همان فرهنگ و مدرنیته رشد کرده و چهره‌های روشنفکرانه به خود می‌گرفتند. آن‌ها در دهه‌های بعدی پس از بازگشت از اروپا، آداب و رسوم و فرهنگ و حتی تفکر اروپایی را در ایران تبلیغ می‌کردند که این افراد را باید از پیشگامان تغییر و تحول در زمینه پوشش و لباس دانست چراکه خود این‌ها تا حد زیادی در آماده شدن جامعه برای پذیرش پوشش غربی نقش داشتند.

۴-۱. مد و مد‌گرایی و روند آن در ایران

مد امری پویا و مبتکرانه است و معمولاً سبک‌هایی را از فرهنگ‌های گوناگون وام می‌گیرد در گذشته طبقات متمول مد را ایجاد می‌کردند و طبقات فرو دست مد را اجرا می‌کرد. طبقات ثروتمند برای این که تفکیکی از طبقات فرو دست داشته باشد دائم در حال تغییر و تحول مد بودند. به عقیده زیمل: مد هم میل به گرد هم آمدن و اجتماع با دیگران را ارضاء می‌کند و هم میل به جدایی و ممتاز بودن از دیگران را.

در حال حاضر ایران هم در این میان به عنوان کشوری در حال رشد، همانگونه که در عرصه‌های فرهنگی از کشورهای توسعه یافته تقلید میکند، در عرصه مد هم به تقلید از این کشورها می‌پردازد. با توجه به تعاریف ارائه داده شده لباس جزئی از فرهنگ می‌باشد و مدی که رواج می‌یابد می‌تواند نمودی از فرهنگ باشد. که باید در حفظ آن کوشید.

۴-۱-۱. تأثیر مد در دوره قاجار

لباس و مد قاجاریه، شاید دیرپاترین مد ایرانی در دوره معاصر باشد. نبود ارتباطات، نبود امکان تنوع در پوشاک و خصایص فرهنگی مردمان باعث شده بود ده‌ها سال کم و بیش یک مد ثابت در دوره قاجار تا پهلوی اول حاکم باشد. در دوره قاجاریه، مفهوم مد برای

زنان چندان معنایی نداشت، زیرا ارتباطات اجتماعی زنان بسیار محدود بود. زنان در دوره قاجار، دامن شلواری، چارقد، چادر، روبنده، پیچه یا نقاب می پوشیدند. از آنجا که عصر قاجار آغاز تاریخ معاصر ایران و ورود ایران به عرصه جهانی است، تغییرات عمده ای در سطح آگاهی جامعه قاجاری به وجود می آید؛ و باعث جنبش های اجتماعی می گردد؛ که نتایج آن را می توان در مشهودترین بخش آن یعنی پوشش جست و جو کرد. در برخی از این جنبش ها همزمان با درخواست های اجتماعی معمول، مطالباتی درخصوص حقوق زنان و پوشش آنها نیز مشهود است که در آن زمان حالت فراگیر به خود نگرفت و در دوره های بعدی همزمان با انقلاب مشروطه و دگرگونی در ساختار سنت تغییرات بیشتری صورت گرفت.

با وقوع انقلاب مشروطه در آخرین سال های دوره قاجار موجی از مد های اروپایی روانه ایران شد؛ مدگرایان ایرانی در این دوره، شیفته مدهای فرانسوی بودند.

۴-۱-۲. لباس و پوشاک ایرانیان در دوره پهلوی

توجه به لباس و پوشاک مدل غربی از زمان مشروطیت آغاز و در اواخر دوره ی قاجاریه تا حدودی میان طبقات مرفه جامعه رواج یافته بود. در پی به سلطنت رسیدن رضا شاه و با توجه به عقاید خاص او درخصوص لباس های مرسوم ایرانیان که آن را مایه عقب افتادگی و از موانع مهم توسعه و پیشرفت می دانست، تغییر شدت گرفت. با آغاز دوره پهلوی الگو سازی از مظاهر پیشرفت به اوج خود رسید. پس از سفر رضا شاه به ترکیه و دیدار او با آتاتورک و دیدن زنانی که بی حجاب بودند و مانند مردان کار می کردند و همچنین دیگر مظاهر غرب، وی تصمیم به ایجاد یک مدرنیزاسیون اجباری گرفت؛ گرچه جرقه های کشف حجاب در همان اواخر دوره قاجار خورده بود اما این رضا شاه بود که دستور به کشف حجاب زنان داد. وی همچنین دستور داد مردان به جای لباس های سنتی، لباس متحد الشکل بر تن کنند که شامل کت و شلوارهای غربی بود، همچنین مردان به جای دستار و عمامه، کلاه شاپوری بر سر می کردند. زنان نیز به جای روبنده، پیچه، چادر و روسری می توانستند از کلاه فرنگی استفاده کنند اما داشتن حجاب ممنوع بود.

۴-۱-۳. زمان محمد رضا شاه

در زمان سلطنت محمدرضا شاه از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه. ش به دلیل افزایش ارتباطات با کشورهای غربی و آمریکایی سیر تحول لباس و همگون شدن آن با البسه خارجی بیشتر شد. کت و شلوار مدل اسمو کینگ از مدل های دهه ۵۰ خورشیدی بود.

۴-۱-۴. پس از انقلاب ۱۳۵۷

۴-۱-۴. دهه ۶۰

بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و کاهش فراگیری مد و فرهنگ غربی در سطح جامعه و حتی در شهرهای بزرگ، فرهنگ پوشش ایرانیان نیز دچار تحول شد. میل به ساده‌زیستی، دوری از مد و همچنین جنگ ایران و عراق، باعث شدند مد در دهه ۶۰ شمسی به حاشیه برود.

۴-۱-۴. دهه ۷۰

با پایان جنگ و از میان رفتن الزامات خاص اقتصادی و سیاسی آن و آغاز دوره تاثیر همه جانبه رسانه‌هایی چون ویدئو و ماهواره، دوباره موج مدگرایی در جامعه آغاز شد. کاهش سختگیری‌ها و افزایش واردات البسه خارجی هم در تشدید این فضا موثر بود.

۴-۱-۴. دهه ۸۰

سرعت تحول مد در دهه ۸۰ سریع‌ترین دوره به علت ظهور اینترنت در خانه‌های مردم بسیار بالا بود. طوری که هر سال یک مد جدید در جامعه می‌آمد و برچسب "دمده" یا از مد افتاده" به لباس‌های نه‌چندان کهنه داخل کمد می‌خورد. مانند فروشی‌ها آن قدر زیاد و متنوع بودند که قیمت آن کمتر با افزایش روبه‌رو می‌شد و جزء متنوع‌ترین و ارزان‌ترین تن‌پوش‌های دهه ۸۰ بودند.

۴-۱-۴. دهه ۹۰

در اواخر دهه هشتاد به دلیل آشفتگی بازار پوشاک، دولت مردان ایرانی را متوجه کرد که تا کنون از این عرصه و سبب رقابتی غفلت کرده‌اند و آنان را وادار کرد تا به طراحی لباس به عنوان یک ابزار فرهنگی توجه داشته باشند و به همین جهت ساماندهی مد و لباس به وزارت ارشاد واگذار شد. این وزارتخانه با برگزاری مسابقه طراحی مد و لباس فجر هنرمندان را به رقابت کشاند و برای اولین بار در ایران طراحی مد و لباس به عنوان یک هنر در کنار هنرهای دیگر مطرح شد. پس از آن و در آغاز دهه نود، شوهای زنده لباس و انواع نمایشگاه‌ها فرصت پیدا کردند خود را به عرصه ظهور برسانند و نیز مؤسساتی در زمینه پژوهش پوشاک ایرانی به ثبت رسیدند. و سعی کردند همگام با جهان به پیش بتازند.

۴-۲. جهانی شدن در پوشش

جهانی شدن که جهانی شدن فرهنگی جزء اصلی و جدایی ناپذیر آن است نوعی فرآیند و تحول دیالکتیکی را سبب می شود. در این بین جایگاه کشورهای مختلف متفاوت است. برخی فرهنگ ها به آسانی در برابر فرهنگ جهان با فرهنگ های دیگر مستحیل می شوند. برخی دیگر موضعی سرسختانه و ستیز آمیز نسبت به فرهنگ مهاجم اتخاذ میکنند. شماری از فرهنگها به همزیستی مسالمت آمیز تن می دهند و تعدادی هم گفتگو و تبادل فرهنگ را گریز ناپذیر می دانند. عمق و تاریخ فرهنگ کشورها در به وجود آمدن انواع موضع گیری ها بی تاثیر نیست. البته تنها داشتن قدمت تاریخی و اجتماعی کافی نیست. فرهنگ هر اندازه هم که اصیل باشد اگر همراه با شناخت و خود آگاهی نباشد اهمیتی ندارد. "ارتباط اجتماعی منشاء فرهنگ است". در نتیجه، رشد ارتباط اجتماعی برای تعالی و شکوفایی فرهنگ لازم است.

فرآیند جهانی شدن، از طریق یک شبکه ارتباطی جهان گستر و یک حوزه عمومی مجازی ناشی از آن، فضاها و امکانات جدیدی برای نقد تعریف رسمی از هویت ملی و باز تعریف آن و تقویت خودآگاهی هویتی بدیل فراهم می کند. حالا اگر فرد در جریان این فرآیند از یک طرف با عناصر فرهنگی و هویت خود کمتر مواجه شود و از سوی دیگر با سیلی از تعاریف جالب و بسیط فرهنگ دیگری مواجه شود، خودآگاهی اش نسبت به فرهنگ خودی کم می شود و انتخاب دیگری نه به دلیل مقایسه بلکه به دلیل فزونی تعاریف بوجود می آید. تهاجم فرهنگی و زیر پا گذاشتن هر آنچه قدیمی و مربوط به فرهنگ کهن می باشد محصول همین نداشتن خودآگاهی و شناخت است.

به طور خاص در ایران که از یک طرف دارای فرهنگی نو و اصیل می باشد و از طرفی دیگر آگاهی نسبت به این فرهنگ کم می باشد باعث شده امروزه تنها یک نام از آن فرهنگی که همه آن را اصیل می دانند باقی بماند.

۴-۳. عواملی که باعث توجه به مد می شود:

۱- مهمترین و اولین موضوع همان نحوه ارائه آن می باشد: وقتی لباسی تحت عنوان لباس ملی و اجباری مطرح می شود، هر اندازه هم که منطبق با فرهنگ اصیل ایرانی باشد نوعی موضع گیری در پی دارد.

۲- تبلیغ درون گروهی: علاوه بر رسانه، دید نو رواج یافته و عناصر متأثر از همدیگر است. مد و طرح های لباس به طور مستقیم تبلیغ نمی شوند بلکه با دیدن بر تن دیگران است که رواج می یابند و این اثرگذاری زمانی که لباس بر تن یک شخص مهم، ستاره و قهرمان باشد چندین برابر می شود.

۳- برجسب زنی: برای تمیز خود از دیگری، در راستای خواست خود بیانگری و کمتر در راستای خود آگاه گری و نیز در پاسخ به تعلق داشتن به یک خرده فرهنگ و یا مجموع هایی از خرده فرهنگها به کار می رود.

۴- میزان دسترسی و قیمت: در جهان امروز که اقتصاد جهانی شکل گرفته است افراد خیلی راحت به مدلهای غربی دسترسی دارند که از کیفیت بالایی هم برخوردار می باشد.

فرهنگ پذیری، پدیده مهم در جامعه مدرن است. وقتی فرهنگها در هم آمیخته می شوند مردم برخی از ویژگیهای فرهنگی را از فرهنگ غیر و برخی را از فرهنگ خودشان کسب می کنند. اگر اثرات فرهنگها متناقض باشد برخی از فعل و انفعالات، فشار روانی

ایجاد می کند. یکی از عناصر که بر مدل‌های لباس و نحوه پوشش مردم ایران خیلی مؤثر است، دین و اجباری بودن برخی از محدودیتهای پوشش است که همین به نوعی بر جهانی - محلی شدن مدلها اثر بخش بوده و همچنین تنوع و خلاقیت خاصی را به وجود آورده است.

فشار دولت و حکومت بر نحوه پوشش بخصوص در مورد خانمها باعث شده مدل‌های غربی تحت لوای خاصی تجلی پیدا کنند. فرد مد جدید را از فرهنگ غربی می گیرد و با وجود تناقضاتی که در فرهنگ و مذهب ایرانی و اسلامی وجود دارد تغییراتی در آن ایجاد می کند تا هم فشار روانی را کاهش دهد و هم از این مد استفاده کند. فرهنگ مدام در حال تغییر است و فرهنگی دوام می آورد که کارآمد باشد بطوری که با مرور زمان و ناکارآمدی آن سنتها شکسته می شوند و نوعی دیگر بروز می کنند. البته با همه کارآمدی، این نکته را به خصوص در مورد لباس نباید فراموش کرد که انسان موجودی تنوع طلب است و همیشه در جستجوی تازه ها می باشد. جاننا ملینسون عناصر اصلی جهانی شدن را بر بستری قرار می دهد که آنرا "سیاق فرهنگی" می نامد. به گفته وی "جهانی شدن شبکه ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندهای متقابل و وابستگی های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می رود." در این دیدگاه فرهنگ را مجموعه راه هایی می داند که در آن مردم به طور فردی و جمعی از طریق ارتباط با یکدیگر، به زندگی خود معنا بخشند. با وجود رسانه ها روند این ارتباطات سرعت می یابد.

با مطالعه تاریخ لباس در جهان به وضوح می توان درک کرد هر کجا که تقابل فرهنگی روی داده است در پی آن تغییراتی در لباس و پوشش هم به وجود آمده است. البته این تغییرات در کشوری که ضعیف تر بوده بیشتر نمود یافته است. زمانیکه اعراب مسلمان تمامی خاورمیانه شرق اروپا و شمال آفریقا را تسخیر کردند، زمانی که روم دنیا را تسخیر کرد و یا زمانی که قدرت در دست فرانسه بود که مدل‌های فرانسوی رواج زیادی یافت. در دنیای امروز هم این روند ادامه دارد ولی نه از طریق تسخیر و جنگ و به طور مستقیم سلطه یافتن بلکه، رشد فناوری های رسانه ای موجب آن شده است.

در دنیای امروز که ارتباطات تا این حد گسترش یافته است، نمی توان از رواج مدل‌های غربی در جامعه خودداری کرد- البته نفس این عمل یعنی خودداری کردن اشتباه می باشد- به شرطی که این انتخاب توام با مقایسه باشد. یعنی افراد ابتدا به سنتها و روشهای خود آگاه باشند و بعد در مقام مقایسه، فرهنگ و لباسی را برتر بدانند. به عبارتی هویت و فرهنگ و آداب و رسوم خود (ایرانی) نیز در این بریکولاژ فرهنگی جایگاهی داشته باشد. یک بریکولاژ دائمی فرهنگی در اثر زیاد شدن ارتباطات فیزیکی و الکترونیکی به وجود آمده است.

۵. نتیجه گیری

در انتها می توان نتیجه گرفت، ورود مدلهای جدید به جامعه اشتباه نیست به شرط آن که آگاهانه و کنترل شده باشد و از سوی دیگر اسباب فراموشی فرهنگ و پوشش و لباس ایرانی را فراهم نکند، و فرهنگ و هویت اصیل ایرانی را حفظ نماید. ضمن اینکه هنوز هم مشکل و معضل لباس و پوشاک مناسب، پابرجاست و بر طراحان لباس ایرانی واجب و ضروری است که لباسها و پوشاکی را طراحی کنند و تولیدکنندگان، آن را تولید و عرضه دارند که با هویت ایرانی و شئون اسلامی همخوانی داشته باشد و از تنوع کافی برخوردار و به وضعیت سنی افراد هم توجه داشته باشد تا در عمل و با طیب خاطر مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- [1]- متین، پیمان- پوشاک در ایران زمین-تهران-انتشارات امیرکبیر-۱۳۸۲
- [2]-مشیر پور، میر محمد- تاریخ تحول لباس در ایران-مشهد-انتشارات زوار و پسران-۱۳۴۵
- [3]-یاوری، حسین- حکاک باشی- مختصری درباره تحول پوشاک در ایران(نشرسیمای دانش)چاپ دوم ۱۳۹۱

[4]-<http://www.aftabir.com>

[5]-<http://www.morvariddesigne.com>

[6]-<http://www.farsfashion.com>

[7]-ویکی پدیا دانشنامه آزاد

[8]-سایت سریال تلویزیونی کلاه پهلوی